

نگاهی به جایگاه علمی علی بن ابراهیم قمی (230-310ق) و دوران و آثار او

آیه الله جعفر سبحانی*

چکیده

در این نوشتار ابتدا از مدارس حدیثی عصر علی بن ابراهیم قمی سخن به میان آمده و سپس به معرفی اساتید، شاگردان و طبقه او پرداخته شده و به دنبال آن، *تفسیر القمی* معرفی شده و گفته شده که تمامی این کتاب، از علی بن ابراهیم نبوده و نیمی از آن را یکی از شاگردش تدوین کرده است و با شواهدی به اثبات آن پرداخته شده و از ثقه بودن راویان احادیث آن تفسیر سخن به میان آمده است. کلید واژه‌ها: تفسیر القمی، علی بن ابراهیم، اساتید، شاگردان.

درآمد

علم حدیث در دو قرن دوم و سوم هجری، در نتیجه تلاش‌های فراوان حافظان و راویان حدیث - که در راه فراگیری، تدوین، ضبط و پیرایش آن سختی‌ها را بر خود هموار کردند و پرچم آن را برافراشته داشتند - درخشش شگفتی یافت. آنان در این عصر آثار ارزشمندی از خود به یادگار نهادند که چراغ راه گروه‌های واپسین شد و علی بن ابراهیم قمی یکی از ایشان است. بهتر است، قبل از سخن گفتن درباره شخصیت علی بن ابراهیم قمی، نکاتی به عنوان مقدمه طرح شود.

شیعیان در آن عصر مراکز مهم حدیثی چندی داشتند که عبارت بودند از:

1. عراق، بویژه کوفه؛ در آن حوزه حدیثی صدها محدث به سر می‌بردند که حدیث را از پیامبر 6 و وصی او و سایر ائمه: بعد از ایشان فرا گرفته و آن را از عصری به عصر دیگر منتقل می‌ساختند. شاهد این مدعا، گفتار حسن بن علی بن زیاد و شاء (از اصحاب امام رضا) خطاب به احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی است:

من در این مسجد (مسجد کوفه) نهصد شیخ را مشاهده کردم که همگی آنها می‌گفتند: جعفر بن محمد 8 به من فرمود.¹

* از مراجع تقلید و استاد و محقق حوزه علمیه قم.
1. رجال النجاشی، ش 79.

2. سرزمین ماوراءالنهر، بویژه سمرقند، کش، خوارزم و سرزمین‌های پیرامون آن؛ محدثان شیعه در آنجا سرزندگی قابل توجهی داشتند که نشان از بالندگی حرکت علمی در آنجا داشت؛ بویژه در دوره ابی نصر عیاشی که به حق، محور این حرکت علمی به شمار می‌رود. نجاشی در این باره گفته است:

ابونصر، در راه علم و حدیث، ارثیه پدری‌اش را - که سیصد هزار دینار بود - صرف کرد و خانه‌اش، همانند مسجد، آکنده از مردم نسخه بردار، مقابله‌گر، دانش‌پژوه یا تعلیقه‌نگار بود.²

نیز همو در ترجمه ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله قزوینی قاضی گفته است:

او در سال سیصد و پنجاه و شش وارد بغداد شد و قطعه‌ای از کتاب‌های نجاشی را به همراه داشت. او نخستین کسی است که آنها را به بغداد آورد و آن را از ابی جعفر احمد بن عیسی علوی زاهد از عیاشی روایت کرد.³

3. قم و ری؛ این دو شهر مرکز حدیث اهل بیت: به شمار می‌رفتند و محدثان در این دیار مدرسه‌ای خاص داشتند که با مدرسه محدثان کوفه در شرایط پذیرش حدیث و رد آن متفاوت بود.

علی بن ابراهیم قمی

در آن عصر، توجه دانشمندان به حدیث به درجه‌ای رسید که آنها از خانواده خود جدا می‌شدند و برای فراگیری یا نشر حدیث از جایی به جای دیگر می‌رفتند. یکی از کسانی که چنین توجهی به حدیث داشت، ابراهیم بن هاشم بود که برای فراگیری حدیث در شهر کوفه تلاش کرد و از مدرسه حدیثی کوفه فارغ‌التحصیل شد و سپس به قم مهاجرت کرد. او نخستین کسی است که حدیث کوفیان را در شهر قم نشر داد.⁴

این سرمایه حدیثی به پسرش، ابوالحسن علی بن ابراهیم - که جایگاهی والا در دنیای علم و حدیث یافته بود - منتقل شد. در اینجا به سخنان علمای رجال درباره وی اشاره می‌شود:

1. نجاشی گفته است:

در حدیث ثقه است. او ثبت، مورد اعتماد و صحیح‌المذهب است. حدیث شنید و به نشر آن اهتمام ورزید و کتاب‌هایی را به رشته تحریر درآورد و در میانه عمرش نابینا شد.⁵

2. شیخ طوسی گفته است:

او کتاب‌هایی دارد (سپس نام کتاب‌ها را برشمرده است).

و گفت:

۲. همان، ش 945.

۳. همان، ش 691.

۴. ر.ک: همان، ش 17؛ فهرست الطوسی، ش 6.

۵. رجال النجاشی، ش 678.

این مطلب را شیخ مفید، به نقل از محمد بن علی بن حسین بابویه (صدوق)، از پدرش و محمد بن حسن (ابن ولید) و حمزه بن محمد علوی و محمد بن علی ماجیلویه، از علی بن ابراهیم، به ما گفته است.⁶

3. ابن اسحاق ندیم او را در میان فقها، محدثان و علمای شیعه برشمرده است؛ آنجا که گفته است: علی بن هاشم؛ و او علی بن ابراهیم بن هاشم از عالمان و فقیهان است و کتاب‌هایی دارد؛ از جمله کتاب *المناقب*، کتاب *اختیار القرآن*، کتاب *قرب الاسناد*.⁷

4. ذهبی گفته است:

علی بن ابراهیم، ابوالحسن محمری، رافضی سرسختی است.

سپس گفته است:

او تفسیری دارد و از ابن ابی‌داوود، ابن عقده و جماعتی روایت می‌کند.⁸

گفتنی است که در سخن ذهبی اشکالی به چشم می‌خورد؛ و آن این که طبقه علی بن ابراهیم بالاتر از ابن عقده (م 333ق) است و از علی بن ابراهیم روایتی به نقل از ابن عقده نیافتیم. شاید ذهبی روایات ابن عقده را در تفسیر او یافته و گمان برده که علی بن ابراهیم آن را از ابن عقده روایت کرده است؛ درست، آن است که راوی از ابن عقده، عباس بن محمد شاگرد علی بن ابراهیم است. اما روایت او از ابن ابی‌داوود عبدالله بن سلیمان بن اشعث (230 - 316ق)،⁹ که از هم عصران وی به شمار می‌رود، بعید به نظر نمی‌رسد؛ هر چند ما به روایتی از او دست نیافتیم.

5. ابن حجر عسقلانی، پس از یاد کرد عبارت ذهبی، به عنوان مقدمه، گفته است:

او علی بن ابراهیم بن هاشم قمی است. ابوجعفر طوسی در *مصنفی الامامیه* از او یاد کرده و محمد بن اسحاق ندیم در *الفهرست* نام او را آورده و گفته است: او کتاب‌هایی چون *التفسیر، الناسخ و المنسوخ، المغازی و الشرایع* دارد.¹⁰

اساتید علی بن ابراهیم

او، به سبب گستردگی روایات، برتر از دیگران است و نامش در اسناد روایات بسیاری به چشم می‌خورد که شمار آنها به 7140 روایت می‌رسد.¹¹ بی‌شک، این مقام رفیع مرهون اساتیدی است که نامشان زین پس می‌آید:

6. *الفهرست*، ش 380.

7. *الفهرست* (ابن ندیم)، ص 325.

8. *میزان الاعتدال*، ج 3، ص 111، ش 5766.

9. همان، ج 2، ص 433، ش 4368.

10. *لسان المیزان*، ج 4، ص 191، ش 506.

11. *معجم رجال الحدیث*، ج 11، ص 193، ش 7816.

1. پدرش ابراهیم بن هاشم؛ نام او در سرآغاز فهرست اساتید علی بن ابراهیم می‌آید؛ چه علی بن ابراهیم از علم پدر بهره‌ فراوانی برد و روایات بسیاری را از او فرا گرفت. روایات علی بن ابراهیم از پدرش - که شمار آنها به 6214 روایت می‌رسد - از این بهره‌وری گسترده پرده برمی‌دارد.
2. محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین، از اصحاب امام جواد⁷؛ نجاشی در وصف او گفته است:
او در میان اصحاب ما جلیل‌القدر، ثقه، بزرگوار و کثیر الروایت است و نوشته‌هایش نیکوست.¹²
روایات علی بن ابراهیم از او به 568 مورد می‌رسد.
3. هارون بن مسلم بن سعدان کاتب سرمربی؛ او در اصل از اهالی شهر انبار است. نجاشی درباره‌ او گفته است:
او ثقه و صاحب منزلت است و امام هادی و امام حسن عسکری⁸ را ملاقات کرده و کتبی چون *التوحید و الفضائل* و... دارد.¹³
روایات علی بن ابراهیم از او به 83 مورد می‌رسد.
4. صالح بن سندی؛ روایات او از صالح بن سندی به 63 مورد می‌رسد.
5. احمد بن محمد بن خالد برقی، مؤلف *المخاسن*؛ او در سال 274 یا 280ق، وفات یافت. شیخ طوسی او را از اصحاب امام جواد و امام هادی⁸ برشمرده است.
علی بن ابراهیم قمی اساتید دیگری نیز دارد که از ایشان روایت کرده است؛ از جمله:
6. مختار بن محمد بن مختار همدانی؛ روایات علی بن ابراهیم از او به شانزده مورد می‌رسد.
7. برادرش اسحاق بن ابراهیم بن هاشم قمی؛ او از امام جواد⁷ روایت کرده؛ چنان‌که از محمد بن اسماعیل بن بزیع روایت شده است.
8. اسماعیل بن محمد مکی؛
9. حسن بن موسی خشاب؛ که عصر امام حسن عسکری¹⁴⁷ را درک کرده است. نجاشی درباره‌ او گفته است:
او منزلتی بلند در میان اصحاب دارد؛ مشهور است و به فراوانی علم و حدیث شناخته می‌شود.¹⁵
10. ریّان بن صلت اشعری قمی؛ نجاشی درباره‌ او گفته است:
از امام رضا⁷ روایت کرده است. او ثقه و صدوق است.¹⁶
11. سلمة بن خطاب؛ نجاشی در وصف او گفته است:
احادیث او دارای ضعف محتوایی است. او کتاب‌هایی چند به رشته تحریر درآورده است.

۱۲. *رجال النجاشی*، ش 897.

۱۳. *مسان*، ش 1181.

۱۴. *رجال الطوسی*، ش 5 (اصحاب العسکری 7) و ش 3 (من لم یرو عنهم).

۱۵. *رجال النجاشی*، ش 84.

۱۶. *مسان*، ش 435.

12. عباس بن معروف، ابوالفضل قمی؛ شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام رضا ذکر کرده¹⁷ و نجاشی گفته است:

او ثقه است و کتاب *الآداب* از اوست.¹⁸

13. عبدالله بن صلت، ابوطالب قمی؛ نجاشی گفته است:

ثقه است و روایاتش مورد اطمینان؛ از امام رضا روایت کرده است؛ از او کتاب التفسیر شناخته شده است.¹⁹

عبدالله آن قدر زنده ماند تا محمد بن حسن صفار (م 290ق) او را ملاقات کرد و از او روایت کرد.

14. محمد بن خالد بن عمر طیالسی تمیمی؛ نجاشی گفته است:

او در سال 259ق، در حالی که 97 ساله بود، زندگی را بدورد گفت.²⁰

15. یعقوب بن یزید بن حماد سلمی انباری؛ او از دیوانیان منتصر بود. نجاشی گفته است:

از امام جواد 7 روایت کرده است و ثقه و بسیار راستگوست.²¹

شاگردان علی بن ابراهیم

گروهی از وی روایت کرده‌اند که برخی از ایشان اشاره می‌کنیم:

1. احمد بن زیاد بن جعفر همدانی؛ صدوق در *کمال الدین* درباره او گفته است:

او مردی ثقه، دیندار و فاضل بود؛ رحمت و رضوان خدای بر او باد.

وی از مشایخ صدوق بوده و صدوق در برخی جاهای *المشیخة* عبارت «رضی الله عنه» را درباره وی به کار برده است و در کتاب *الأمالی* از او با کنیه ابوعلی یاد کرده و هفتاد روایت از او در کتاب *وسائل الشیعة* نقل شده است.

2. حسن بن حمزه علوی؛ نجاشی گفته است:

ابو محمد طبری، معروف به مرعشی، از بزرگان و فقهای امامیه است و کتاب‌هایی نگاشته است؛ در سال 356ق، به بغداد قدم نهاد و شیوخ ما با او ملاقات کردند و در سال 358ق، به سرای باقی شتافت.²²

شیخ طوسی نیز درباره او گفته است:

علوی طبری، فاضل، ادیب، عارف، فقیه، زاهد و پرهیزگار بود و از نیکی‌های بسیار برخوردار؛ تألیفات و تصنیفات بسیاری از خود به یادگار نهاد.²³

۱۷. *رجال الطوسی*، ش 34.

۱۸. *رجال النجاشی*، ش 741.

۱۹. *ممن*، ش 562.

۲۰. *ممن*، ش 911.

۲۱. *ممن*، ش 1216.

۲۲. *ممن*، ش 148.

شیخ مفید در کتاب *الامالی* خود از او با اوصافی چون شریف زاهد و شریف صالح یاد کرده است و او از مشایخ صدوق است که از او با دعای «رضی الله عنه» در کتاب *معانی الاخبار* یاد کرده است.

3. محمد بن موسی بن متوکل؛ شیخ طوسی در «من لم یرو عنهم» (کسانی که از معصومان: روایت نکرده‌اند) از او نام برده و گفته است:

او از عبدالله بن جعفر حمیری روایت کرده و ابن بابویه از او روایت کرده است.²⁴

شیخ صدوق بسیار از او روایت کرده و از وی در طریش به کتاب‌های متقدم در 48 مورد نام برده است؛ به نظر می‌رسد که صدوق به او اعتماد داشته است. سید بن طاووس در کتاب *فلاح السائل* و ثاقب او را مورد اتفاق دانسته و علامه حلی و ابن داوود در قسم اول از او یاد کرده‌اند.

4. محمد بن یعقوب کلینی؛ نجاشی درباره او گفته است:

ابو جعفر کلینی... شیخ اصحاب ما و بزرگ ایشان در عصر خود در ری بوده و از موثق‌ترین مردمان و ثابت قدم‌ترین آنها در حدیث است. او کتاب معروف خود به نام *الکافی* را مدت بیست سال نگاشت... در سال 329ق، در بغداد دارفانی را وداع گفت.²⁵

شیخ طوسی در *الفهرست* گفته است:

ثقه است و آشنای با احادیث؛ از او کتاب‌هایی بر جای مانده است.

5. ابوالفضل، عباس بن محمد بن قاسم بن حمزه فرزند موسی الکاظم.⁷

طبقه علی بن ابراهیم در رجال

برای آن که طبقه او را مشخص سازیم، ابتدا باید به مطالبی اشاره شود که بر اساس آنها بتوان با عصری که در آن علی بن ابراهیم می‌زیسته، آشنا شد؛ از آن جمله:

1. از یادکرد مشایخ او درمی‌یابیم که اکثر روایات علی بن ابراهیم از شاگردان امام جواد (م 220ق)، امام هادی (م 254ق) و امام عسکری (م 260ق) است و نیز از باقی‌مانده شاگردان بازمانده امام رضا - که تا سال‌های زیادی پس از آن حضرت زنده بودند - روایت کرده است؛ مانند عبدالله بن صلت.

2. او از محدثان قمی - که در زمان حیات امام جواد 7 و یا اندکی پس از آن، در گذشته‌اند، مانند زکریا بن آدم اشعری، عبدالعزیز بن مهتدی اشعری، محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری و محمد بن خالد برقی - روایت نکرده است.

3. قدیمی‌ترین کسی که علی بن ابراهیم از او روایت کرده، از کسانی که تاریخ وفاتشان ثبت شده، محمد بن خالد طیالسی است که در سال 259ق، وفات یافت.

۲۳. *الفهرست*، ش 195.

۲۴. *رجال الطوسی*، ش 3.

۲۵. *رجال النجاشی*، ش 1027.

از آنچه گفته شد، برمی آید که تاریخ تولد علی بن ابراهیم باید حدود سال 230ق، یا اندکی پس از آن باشد؛ البته به نظر می رسد که این تاریخ نباید از سال 240ق، بیشتر باشد. تاریخ وفات او نیز معلوم نیست، اما در سال 307ق، زنده بوده است. شیخ صدوق از حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر روایت کرده که گفته است:

علی بن ابراهیم بن هاشم در سال 307ق، خبر داد به ما...²⁶

به نظر می رسد که علی بن ابراهیم اندکی پس از این تاریخ وفات یافته است.

درنگی در تفسیر مشهور به تفسیر القمی

کتاب *تفسیر القمی* - که امروزه بدین نام مشهور است - از دو بخش اصلی پیوسته به هم شکل یافته است:

1. تفسیر علی بن ابراهیم قمی - که اکنون از او سخن می گوئیم - و روایات و اخباری که بخش اعظم آنها را از پدرش روایت کرده است.

این تفسیر را شاگردش ابوالفضل، عباس بن محمد بن قاسم بن حمزة بن امام موسی کاظم 7 روایت کرده است.

2. روایات شاگردش عباس (که پیش تر از او یاد شد) که بیشتر آنها را از احمد بن محمد بن سعید همدانی، معروف به ابن عقده (م 333ق) به سندش از ابو جارد، زیاد بن منذر، از امام باقر 7 روایت کرده است.

از این عباس در کتابهای انساب یاد شده، ولی در کتابهای رجالی ذکری از او به میان نرفته است. یادآور می شود که شیخ طوسی جد او، محمد بن قاسم بن حمزة بن موسی علوی 7 را از اصحاب امام هادی 7 به شمار آورده است.²⁷

خلاصه آنچه گذشت، آن است که این تفسیر از دو تفسیر اصلی شکل یافته است: تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر ابو جارد. هر کدام از این دو تفسیر سندی مخصوص به خود دارد که هر کس به این تفسیر رجوع کند، از آن آگاه می شود.

علاوه بر این، عباس علوی (شاگرد قمی) در روایتش به ابن عقده اکتفا نکرده، بلکه از مشایخ دیگری نیز روایت کرده است؛ از آن جمله:

1. محمد بن جعفر رزاز؛ راوی تفسیر (ابوالفضل، عباس بن محمد) می گوید:

حدثنا محمد بن جعفر الرزاز، عن يحيى بن زكريا، عن علي بن حسان، عن عبدالرحمن بن كثير، عن ابي عبدالله 7 في قوله تعالى: **لَمَّا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ** ²⁸ ²⁹

2. ابو عبدالله، حسین بن محمد بن عامر اشعری؛ راوی تفسیر گوید:

26. *عیون اخبار الرضا* 7، ج 1، ص 292، ح 43.

27. *رجال الطوسی*، ص 444، ش 41.

28. سوره حدید، آیه 22.

29. *تفسیر القمی*، ج 2، ص 331.

اخبرنا الحسين بن محمد بن عامر، عن المعلى بن محمد البصرى، عن ابن ابي عمير، عن ابي جعفر الثاني³¹ في تفسير قوله تعالى: **إِنَّمَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**³⁰.

3. ابو علی محمد بن ابی بکر همام بن سهیل بغدادی کاتب (م 336ق)؛ راوی تفسیر گوید:

حدثنا محمد بن همام، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالك، قال: حدثنا القاسم بن الربيع، عن محمد بن سنان، عن عمار بن مروان، عن منخل، عن جابر، عن ابي جعفر³² في قوله تعالى: **إِنَّمَا فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ**³³.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب خود اسامی گروهی دیگر از کسانی را که جامع تفسیر از ایشان روایت کرده، آورده است. در اینجا به نام برخی از آنها اشاره می شود:

1. ابوالحسن علی بن حسین سعیدآبادی قمی، روایت کننده از احمد بن ابوعبدالله برقی،
2. شیخ ابوعلی احمد بن ادريس بن احمد اشعری قمی (م 306ق)،
3. شیخ ابوعبدالله محمد بن احمد بن ثابت، روایت کننده از حسن بن محمد بن سماعه (م 263ق)،
4. ابو جعفر محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری قمی، روایت کننده کتاب *قرب الاسناد* از پدرش،
5. محمد بن ابوعبدالله، ابوالحسین محمد بن عون اسدی (م 312ق)، از مشایخ کلینی،
6. حمید بن زیاد نینوایی (م 310ق)، از مشایخ کلینی،
7. حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی،
8. ابوالقاسم حسنی، روایت گر *تفسیر الفرات* از مؤلف آن فرات و علی بن ابراهیم هم عصر بودند،

...

گفتنی است که در میان روایات علی بن ابراهیم - که در کتاب *الکافی* و کتابهای دیگر نقل شده - روایتی به نقل از افراد یاد شده به چشم نمی خورد.³⁴ این نکته دلیلی بر این ادعاست که راوی تفسیر از این مشایخ، بدون واسطه علی بن ابراهیم، روایت کرده است.

توثیق کسانی که در اسناد تفسیر واقع شده اند

برخی از عالمان رجال، بر اساس آنچه در ابتدای *تفسیر القمی* آمده، تمامی کسانی را که در اسناد روایات منتهی به معصومان: این تفسیر واقع شده اند، توثیق کرده اند. در مقدمه کتاب آمده است:

و نحن ذاکرون و مخبرون بما ينتهي إلينا و رواه مشايخنا و ثقافتنا عن الذين فرض الله طاعتهم و أوجب ولايتهم و لا يقبل عمل إلا بهم.³⁵

صاحب *الوسائل الشیعة* گفته است:

۳۰. سوره مائده، آیه ۱.

۳۱. *تفسیر القمی*، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳۲. سوره نور، آیه ۳۶.

۳۳. *تفسیر القمی*، ج ۲، ص ۷۹.

۳۴. رک: *الذریعة*، ج ۴، ص ۳۰۲-۳۰۷.

۳۵. *تفسیر القمی*، ج ۱، ص ۴.

همچنین، علی بن ابراهیم به ثبوت احادیث تفسیرش شهادت داده و آنها به وسیله ثقات از ائمه: روایت شده است.³⁶

نیز آیه الله خوبی گفته است:

مقصود علی بن ابراهیم از آنچه بیان داشته، اثبات صحت تفسیر خود بوده و این که روایاتش ثابت و صادر از معصومان: است و به وسیله مشایخ و ثقات شیعه به او منتهی شده است. بنابراین، دلیلی ندارد که توثیق وی را فقط شامل کسانی بدانیم که علی بن ابراهیم، بدون واسطه، از ایشان روایت کرده است.³⁷

گفتنی است، آنچه از این دو بزرگوار نقل کردیم، با تمام احترامی که برای نظریاتشان قایل هستیم، از عدم مطالعه درست کتاب از سوی ایشان ناشی شده است و ایشان تنها به آنچه در مقدمه کتاب آمده اکتفا کرده‌اند. پیش تر گفته شد که این تفسیر ترکیبی است از آنچه جامع آن از علی بن ابراهیم، از مشایخش روایت کرده و نیز روایاتی که جامع تفسیر از مشایخ خود نقل کرده است که سند آنها به زیاد بن ابی جارود می‌رسد.

در بخش دوم تفسیر روایاتی وجود دارد که راوی تفسیر، آنها را با سندهای متصل به امام 7 از دیگر مشایخش - که نامشان را یادآور شدیم - نقل کرده است. بنابراین، چگونه می‌توان این تفسیر را یکی از نوشته‌های علی بن ابراهیم برشمرد و حکمی که در مقدمه کتاب وارد شده، بر آن جاری ساخت. به علاوه، نمی‌توان گفت که مراد قمی از عبارت «رواه مشایخنا و ثقاتنا» تمامی کسانی را که در سند روایات تفسیر تا به امام منتهی شود، شامل می‌گردد؛ بلکه به نظر می‌رسد منظور او فقط مشایخ بی‌واسطه اوست و عطف «و ثقاتنا» بر «مشایخنا» بر مشایخ بلا واسطه دلالت دارد.

و از آنجا که نقل بلا واسطه از ضعیف از وجوه ضعف راوی شمرده می‌شود، ولی نقل از ثقه‌ای که از غیر ثقه نقل می‌کند، چنان اثری ندارد، علی بن ابراهیم به وثاقت مشایخش اشاره کرده تا خود را در معرض نقد و اعتراض قرار ندهد؛ و گرنه، در اسناد قمی کسانی واقع شده‌اند که اعتمادی بر آنان نیست.

حق این است که *تفسیر القمی* اهمیت خاصی در میان کتاب‌های تفسیر دارد. افزون بر جایگاه رفیع مؤلف در علم، فضل و اتقان و نزدیکی عصر او به عصر ائمه معصوم، بویژه درک عصر امام هادی 7 و امام عسکری 7، اگرچه از ایشان روایتی نقل نکرده، تفسیر او از امتیازات متعددی برخوردار است که مهم‌ترین آنها بدین شرح است:

1. این کتاب آکنده از روایات وارد شده از معصومان: بویژه امام صادق 7 است؛
2. نویسنده مفردات قرآنی را به صورت واضح و وافی شرح کرده است و این معانی با نگاه به تمامی قرآن به دست می‌آید؛ مثلاً در شرح معنی هدایت می‌گوید:

الهدایة فی کتاب الله علی وجوه اربعة...³⁸

³⁶ وسائل الشیعة، ج 20، ص 68، فایده ششم.
³⁷ معجم رجال الحدیث، ج 1، ص 49، مقدمه سوم.
³⁸ تفسیر القمی، ج 1، ص 43 - 44.

و برای معنی ایمان می‌گوید:

الإيمان في كتاب الله على أربعة أوجه...³⁹

نیز ظن را این‌گونه معنی می‌کند:

الظن في كتاب الله على وجهين...⁴⁰

همچنین در معنی *الحسنة* و *السيئة* می‌گوید:

الحسنات في كتاب الله على وجهين، و السيئات على وجهين...⁴¹

و...

3. اسلوب استدلال را در تفسیر خود برای آیات در موارد عدیده‌ای رعایت کرده است؛ گاهی برای تفسیر به آیه‌ای دیگر استناد می‌کند و گاهی به روایتی از معصومان؛
4. در موارد بسیاری به اسباب نزول اشاره کرده و مستند آن، در این‌گونه موارد، برخی از روایات است. همچنین، گاهی برخی از پیشامدهای تاریخی مربوط به شأن نزول را با هدف تبیین معنای آیه‌ای که در صدد تفسیر آن بوده، بیان داشته است.
به خاطر این مزایا و امتیازات دیگر کتاب، جداسازی *تفسیر القمی* از روایات شاگردش ابوالفضل عباس علوی ضروری به نظر می‌رسد تا این تفسیر بیشتر جلوه کند و ارزش حقیقی آن به شکل روشن نمایان شود.

کتابنامه

- *تفسیر القمی*، علی بن ابراهیم قمی (م 307ق)، به کوشش: السید الطیب الموسوی الجزائری، مطبعة النجف الأشرف.
- *الذریعة إلى تصانیف الشيعة*، محمد محسن بن عی المتزوی (آقا بزرگ الطهرانی) (م 1348ق) بیروت: دارالأضواء، 1403ق.
- *رجال الطوسی*، محمد بن الحسن الطوسی (م 460ق)، تحقیق: جواد القیومی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، 1415ق.
- *رجال النجاشی (فهرس أسماء مصنفی الشيعة)*، أحمد بن علی النجاشی (م 450ق)، بیروت: دارالأضواء، 1408ق.
- *عیون أخبار الرضا 7*، محمد بن علی بن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م 381ق)، تحقیق: السید مهدی الحسینی اللاجوردی، تهران: منشورات جهان.

³⁹ همان‌جا، ص 57.

⁴⁰ همان‌جا، ج 1، ص 57.

⁴¹ همان‌جا، ج 1، ص 152.

- *الفهرست*، محمد بن الحسن الطوسی (م460ق)، تحقیق: جواد القیومی، قم: مؤسسه نشر الفقه، 1417ق.
- *الفهرست*، محمد بن اسحاق (ابن النديم، م380ق)، ترجمه و تحقیق: محمدرضا تجدد، سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1366ش.
- *لسان المیزان*، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر، م852ق)، مؤسسه الأعلمی، 1406ق.
- *معجم رجال الحديث*، السيد أبو القاسم الموسوی الخوئی (م1413ق)، قم: منشورات مدينة العلم، 1403ق.
- *میزان الاعتدال في نقد الرجال*، محمد بن أحمد الذهبي (م748ق)، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالفکر.
- *وسائل الشيعة*، محمد بن الحسن الحرّ العاملي (م1104ق)، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت، 1409ق.